

از صدا و سیما گلهه مند

رایج به زبان، بنده حقیقتش [این است که آنگرانم واقع‌آنگرانم]. حا
زمینه‌ی شعری خوشبختانه شعرهایی که شماها می‌گویید، خب
خوب، و زبان، زبان استوار است، اما در جریان عمومی، زبان دارد
فرسایش می‌شود؛ این را آدم می‌بیند. حالا مشبی یکی از برادرهای
بودند و یک چیز خوبی را نقل کردند برای من، لکن من از صدا و سو
گله‌مندم به خاطر اینکه به جای اینکه زبان صحیح را، زبان معیار را،
صیقل خورده‌ی کاملاً درست را ترویج کنند، زبان بی‌هویت، گاهی
تعابیرهای غلط و بدتر از همه پُرا تعابیرات فرنگی و خارجی و م
اینها را دارند ترویج می‌کنند. وقتی متلافلان لغت فرنگی را که حالا
نویسنده‌ای، یک متوجهی - که ترجحه‌می‌کرد یک مقاله‌ای انگلیسی
فرانسوی را - اورده و عیناً به کار برده، و مجری شما این را در تلویزیون
در رادیو یکبار، دوبار تکرار می‌کند، این می‌شود عمومی؛ مابایش
مفہتمماتیک داریم زبان خودمان را (والدی) کنیم به زوائد مضر.
۸/۲۱۳۰

مطالبه کشور با یاری بر اقتصادی، باش

امروز، مشکل عمرده و نقد کشور فعلاً مشکل اقتصادی است. آلتیز
فشار بر مردم است دیگر، فشار بر میثاست مردم بخصوص طبقات ضعیف است... مردم و ضعفادار جامعه زیر فشار قرار می‌گیرند، دشمن اهم آنهاست
می‌کند؛ یکی از اشکالات کار این است که دشمن طمع می‌کند و
می‌بندد؛ اعتبار کشور هم کاهش پیدا می‌کند، یعنی واقعاً [اگر] آمش
اقتصادی و نداشتن برنامه‌ای خوب اقتصادی و پیشرفت اقتصادی د
کشوری وجود داشته باشد، اعتبار آن کشور را طمهمی می‌زند؛ لذا
باید به مسئله اقتصاد به طور جدی پرداخت و عرض می‌کنیم
بن بستی هم به معنای واقعی کلمه در اینجا وجود ندارد، یعنی واقعاً
بن بستی نیست؛ بله، مشکلات هست، موانع هست اولی این بست و
ندازد.

در مواجهه با دشمن چهارم

در مواجهه‌ی با دشمن، شعار جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی مقاومت است. دشمن می‌خواهد تجاوز کند، پیشروی کند؛ در مقابل این دشمنی که می‌خواهد دائم پیش بباید وجود دارد؛ راه این است که شمامعقب بروید؛ تاشمامعقب بروید او پیش می‌اید چه شمامعقب بروید او پیش می‌اید؛ یک راه هم این است که بایست مقاومت کنید. و تجربه‌ی خود مادر جمهوری اسلامی - به تجربه‌ی تاریخ و صدر اسلام و مانند اینها نمی‌خواهیم تمسک کنیم - نه می‌دهد که مقاومت در مقابل دشمن جواب می‌دهد؛ هر جامقاوی کردیم جواب گرفتیم؛ در دفاع مقدس، در بخش‌های گوناگون تحریکات امنیتی که علیه‌مامی کردند، در مسائل اقتصادی. یک رزو در آمد سالانه نفت مادر طول سال - که تنها مکان در آمرزابی نفت بود - حodus شش میلیارد بود؛ دیگر از این سختی بالاتر؟ البته وقت جمعیت کشور خیلی کمتر از حالا بود اما باز هم پنج میلیار شش میلیارد آمد برای کشور چیزی نبود؛ توئنستیم بایست مقاومت کردیم، مردم بایستند. ●

شش گفتار مهم درباره ولایت

یکی از اعاده‌گرایان است که جامعه مسلمان، وابسته و پیوسته‌ی به عناصر خارج از وجود خود نداشته، پیوستگی به غیر مسلم نداشته باشد. و البته این پیوسته نبودن وابسته نبودن یک حرف است، به کلی رابطه نداشتن، یک حرف دیگر است. هرگز نمی‌گوییم که عالم اسلام در از بالا خیابان مشهد که به سمت حرم امام رضا^(ع) میروی نرسیده به حرمه دقیقاً چهارراه شده‌مامسجد پر رفت و آمدی است که زائران و مجاوران علی بن موسی الرضا^(ع) پیش یا پس از زیارت آنچه ابرای اقامه نماز انتخاب می‌کنند: مسجد کرامت. مسجدی است که در سالهای پیش از انقلاب یکی از مراکز اصلی مبارزه‌زد مردم مشهد علیه رژیم پهلوی بوده

گفتار چهارم. بعد سوم و لایت: ارتباط و اتصال با ولی

یک جلوه‌ی دیگر از جلوه‌های لایت که از همه مهمتر این است و ضامن بقای لایت به معناه‌های اول و دوم هم همین است؛ این است که جامعه‌ی اسلامی نیازمند یک مرکز اداره کننده باش را بخواهد. اکنون [جامعة اسلامی] بخواهد آن دور بوده و دو بعد دو جانب لایت را در خود تأمین بکند، محتاج است که یک مرکز فرمانده‌ی مقتدری در درون خود داشته باشد تا همه‌ی عناصر فعال این جامعه، نشاط فکری و عملی خود را از آن مرکز الهام بگیرند. آن مرکزی که در بطن جامعه و متن جامعه‌ی اسلامی، همه‌ی جناح‌های اداره‌ی می‌کند، هر کسی را به کار لایق به شأن خودش مشغول می‌کند، از تعارض‌ها جلوگیری می‌کند، نیروهای راه را به یک سمت هدایت می‌کند؛ او باشد از سوی خدا بشاید، باید عالم باشد، باید آگاه

شدت و سخت گیری سواک در معمانعت از برگزاری جلسه قران و سخنرانی کام آنان را تاخت نمود. ساو
مسجد در احصار کرده بود و هشدار داده بود که سید علی خامنه ای از این پس حق سخنرانی در مسجد را
شنبیرای بازگشت استاد خامنه ای به مسجد قدیمی تروکوچک ترم شد: مسجد امام حسن، همین باز
ودرس و معرفت ایشان به مسجد امام حسن و خمرو مشتاقان و علاقمندان هم باعث شد مسجد امام
به پیشنهاد امام جematیش توسعه پیدا کند و حتی از مسجد کرامت هم بزرگ تر و پرورونق تر شود. این
مسجد امام حسن برگزار می شد با عنوانی جذاب تر و محتوای گیراتر: « طرح کلی اندیشه اسلامی
جلسات چهار سرفصل اصلی داشت: ایام، توحید، نبوت و ولایت. و فرستنی برای طرح سرفصل بن
امامت هم دست نداد. شش جلسه‌ی پایانی، که به موضوع ولایت اختصاص داشت، در سال‌های بعد از
در قالب جزو و کتابچه منتشر شده است. نشریه خی ط خط حزب‌الله در اطلاع نگاشت این هفتة به اختصار
شش گفتار مهم پرداخته است.

گفتار اول. پیامبران و کارخانه آدمساز

گفته‌یم که پیغمبر می‌اید برای "به تکامل رساندن انسان" می‌اید برای کامل و به اتمام رساندن مکارم اخلاق. از چه راهی و از چه وسیله‌ای پیغمبر استفاده می‌کند برای ساختن انسان؟ چه جوری انسان‌ها پیغمبر می‌سازد؟ [ایا] مدرسه درست می‌کند؟ مکتب فلسفی درست می‌کند؟ [ایا] پیغمبر صومعه و جایگاه عبادت درست می‌کند؟ گفته‌یم که نه؛ پیغمبر برای ساختن انسان "کارخانه انسان‌سازی" درست می‌کند پیغمبر ترجیح می‌دهد که ده‌ماه، بیست سال، دیرتر موقی بشود؛ اما آنچه می‌سازد، یک انسان و دو انسان و بیست تا انسان نباشد؛ کارخانه انسان‌سازی درست کند که به طور خود کار انسان کامل پیغمبر پسندت تحويل یابد.

کارخانه انسان‌سازی چیست آقا؟ کارخانه انسان‌سازی، جامعه و نظام اسلامی است. اینجا آن نقطه‌ی بیچ، نقطه‌ی اساسی توجه و تکیه حرف است. آنچه که باید باشد باید فهمید، این است که پیغمبر یکی یکی گوش انسان‌ها را نمی‌گیرد به یک کنج خلوتی ببرد، در گوش شان زمزمه‌ی مهر بنوازد. پیغمبر هماکتب علمی و فلسفی تشکیل نمی‌دهد تا یک مشت شا درست کنند، این شاگرد همارا بفرستند تا مردم را در اقطار عالم هدایت کنند. کارش از این قرص و قائم‌تر، استوار تر و رویشه دارتر است. چه کار می‌کند؟ یک کهاز آن کارخانه جزو انسان بیرون نمی‌اید، می‌سازد و آن کارخانه، "جامعه‌ی انسان

گفتار پنجم. جامعه‌ی با و لايت چگونه است؟
ولایت يك جامعه به چيست؟
ولایت يك جامعه به اين است
كه ولتي در آن جامعه، اولاً مشخص
باشد، بدانند که اين است ولی، ثانياً
منشأ و الهامبخش همه‌ی نيزروها، نشاطها،
فعاليت‌های آن جامعه باشد. قطبی باشد که
همه‌ی جوی‌ها و سرچشممه‌ها از او سرازیر می‌شود.
مرکزی باشد که همه‌ی فرمان‌ها را او می‌دهد و همه‌ی
قانون‌هارا اجرا می‌کند. نقطه‌ای باشد که همه‌ی رشته‌ها
و نخ‌های آنها برگرد، همه به اونگاه کنند، همه دنبال او بروند.
موتور زندگی را وروشن بکنند راين جامعه، رانند و پيش قراول کاروان
زندگی در جامعه، او باشد. اين جامعه، جامعه‌ی داراي ولايت است.

گفتار ششم. معنای دقیق هجر
تعهد الهی ماین است که ما خودمان را از
الله. خارج شدن از ولایت ظالم و وارد شدن
بود و مسلمان بود؟... مسلمان زیستن، یعنی
اختیار خدا بودن... به طور کلی فرد، نمی توان
استعدادهایش، تحت فرمان خدا باشد، در
هجرت کرد؛ اما قبل از آنی که پیغمبر هجر
کرد. گاهی لازم می شود که گروهی از انسان
بنیان گذاری کنند، به وجود بیاورند، دارالهجر

گفتار دوم. بعد اول و لایت: به هم پیوستگی مؤمنین
یک عده و یک جبهه را پیغمبر به وجود می‌آورد. اینها در میان چه جامعه‌های دارندزدگی می‌کند؟ در میان جاهله‌ی اگر بخواهند این جریان بازیک، که به نام اسلام و مسلمین به وجود آمده، در میان آن جامعه‌ی جاهله اعراض و پر حرمت باقی بمانند... باستی این مسلمان‌ها را... آن چنان به هم متصل و مرتبط کنند که هیچ عنت و آینه‌ای را زیکدیر جدا نکنند...

مثلاً چه؟ مثل یک عده کوھنوردی که از راه صعب العبور کوهستانی دارند عبور می‌کنند... تا بر سرده به کوه بدهند گفته می‌شود کمر بند هایران را به هم بینندید، جدا جدا و تک حرکت نکنید که اگر تهمانندید، لغزیدن هست؛ حالت به هم بستگی شدید کوھنور دان، نمایشگر حالت به هم بستگی و جوشیدگی شدید مسلسل آغاز کار است... این پیوستگی مسلمانان با یکدیگر، آیاد قرآن و حدیث نامی دارد، یا به این نام، ولايت ولایت... در اصطلاح اولی قرآنی، ولایت یعنی به هم پیوستگی و هم جهه گی و اتصال شدید یک عده انسان دارای یک فکر واحد و جویای یک هدف واحدند. هر چه بیشتر این جبهه باشد افرادش به همدیگر متصل باشند جبهه های دیگر و قطب های دیگر و قسمت های دیگر خودشان را جدا و کنار بگیرند، چرا؟ برای اینکه از بین هضم نشوند. این رادر قرآن می‌گویند ولایت.